# هدف خلقت و هدف انقلاب اسلامی

رابطه‌ی عرفان و انقلاب ،

توجه به معنای حقیقی توحید و مؤمن حقیقی

* " آن مقصدى كه مقصد اسلام است و مورد امر خداى تبارك و تعالى است و همه انبيا براى آن مقصد آمده‏اند ، از آن مقصد نباید غفلت بشود. بايد گفتارها، انسان را برساند به معنويات و برساند به توحيد كلمه و كلمه توحيد. "

صحيفه امام خمینی - جلد ‏14- صفحه 153

ـ * " ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا ا... و محمد رسول ا... بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. " صحیفه امام خمینی - جلد ۱۲ - صفحه ۱۴۸

ـ * " هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض‌شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. " بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۰۴/۱۳ در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران

ـ * " اساس انقلاب اسلامی بر انسان سازی استوار است، نسل نو، این فرصت را دارد که در سایه حکومت اسلامی درون و باطن خود را اسلامی کند و همت ما باید بر تهذیب نفس، ساختن باطن و تحول به سوی اخلاق الهی متمرکز باشد و مقصود از بعثت همه ی انبیاء نیز همین امر مهم بوده است. ملت ما باید در درون خود نور معنویت، صبر و یقین و عبادت و ذکر خداوند را برافروزد تا به عنوان الگوی ملتهای دیگر برای خود و آنان سعادت به ارمغان آورد. " بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۰/۱۰/۱۹ در دیدار مردم قم به مناسبت قیام 19 دی

# D:\عکس امام و رهبری و شهدا\agha_bashiran.ir (6).jpgـ * مهمترین مسئولیت جامعه اسلامی، کمال معنوی و الهی انسان‌ها

۱۳۹۰/۰۷/۲۴[بیانات‌دردیداردانشجویان‌کرمانشاه](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597)  
ـ * جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنای ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهمِ میانه‌ی ما.  
چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الّا لیعبدون»؛(۱) انسانها به عبودیت برسند. «لیعبدون» را معنا کردند به «لیعرفون». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است.

ـ * درباره‌ی امام بزرگوار میخواهیم حرف بزنیم. یکی از عناوین و اوصافی که درباره‌ی امام راحل عظیم‌الشّأن ما، کمتر به‌کار رفته است و کمتر از این عنوان استفاده کرده‌ایم، عبارت است از یک عنوان جامع که من این‌جور تعبیر میکنم: مؤمنِ متعبّدِ انقلابی. ما امام را با صفات متعدّدی همواره توصیف میکنیم امّا این صفت -که ما کمتر امام را با آن توصیف کرده‌ایم- یک صفت جامع است؛ مؤمن است، متعبّد است، انقلابی است.  
 مؤمن: یعنی مؤمن به خدا است، مؤمن به هدف است، مؤمن به راهی است که او را به این هدف میرسانَد، و مؤمن به مردم است. یُؤمِنُ بِاللهِ وَ یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین؛[[1]](#footnote-1) درباره‌ی رسول اکرم هم این تعبیر در قرآن آمده است: مؤمن به خدا، و مؤمن به هدف، و مؤمن به راه، و مؤمن به مردم.  
 عبد است، متعبّد است؛ یعنی خود را عبد میداند در مقابل پروردگار؛ این هم صفت بسیار مهمّی است. شما ملاحظه کنید، خدای متعال در قرآن، پیغمبر اکرم را با صفات متعدّدی ستوده است: وَ اِنَّکَ لَعَلَی‌ٰ خُلُقٍ عَظیم، فَبِما رَحمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُم؛ و صفات متعدّد دیگر که هر کدام از اینها یک فصل فراوانی از خصوصیّات پیغمبر را بیان میکند؛ ولی آن صفتی که به ما مسلمانها دستور داده شده است که هر روز درباره‌ی پیغمبر در نمازهایمان تکرار کنیم این است که «اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسولُه»؛ این نشان‌دهنده‌ی اهمّیّت عبودیّت است؛ عبد بودن آن‌چنان برجسته است که خدای متعال این صفت را به مسلمانان تعلیم میدهد که در نماز خود، هر روز چند مرتبه تکرار کنند؛ امام دارای این صفت بود، صفت عبودیّت؛ اهل خشوع بود، اهل تضرّع بود، اهل دعا بود؛ مؤمن متعبّد.  
 امّا صفت سوّم، یعنی مؤمن متعبّدِ انقلابی؛ این، آن نقطه‌ای است که مایلم بر روی آن تکیه کنم و درباره‌ی آن سخن بگویم. امام، امامِ انقلاب بود.  
 انقلاب یک کلمه است و در دل آن حقایق بی‌شماری وجود دارد؛ امامِ انقلاب یعنی پیشوای همه‌ی این خصوصیّاتی که کلمه‌ی انقلاب متضمّن آن است. قدرتهای مادّی هم که نسبت به امام همواره غضبناک بودند، عصبانی بودند و البتّه میهراسیدند از امام بزرگوار، بیشتر به‌خاطر این صفت بود: صفت انقلابیگری امام؛ با این خصوصیّتِ او دشمن بودند. 14 خرداد 95

*مقدمه :*

🔬 پیش از هر صحبتی درخواست می‌کنیم حتما بروید و معنای توحید را به معنای تمام و کمال بشناسید. حتما ً بروید معنای عمقی شعار اصلی اسلام یعنی " لا اله الّا الله " را بشناسید. : فرق عبودیت و عبادت را بدانید. عرفان اسلامی و خصوصا عرفان امام خمینی را بشناسید. مستندهای حدیث سرو را ببینید.

در این جزوه به ایجاز و اختصار سخن گفتیم نه اطناب و تفصیل و به قول شاعر " گر در این خانه کس است که هست، یک حرف بس است."

( این جزوه بیشتر در مورد خودسازی و عرفان است، شما مبانی جامعه‌سازی را می‌توانید در جزوه " آیا مومن باید سیاسی باشد؟ " ببینید. )

ـ* هدف انقلاب اسلامی - انقلابی که از دل اهداف اسلامی برخواست - همان هدف اسلام است و هدف اسلام همان هدف خلقت است یعنی کسب مقام خلیفه الهی شدن انسان و ظهور اسمای الهی است که این اهداف با خودسازی و سیر و سلوک به دست می‌آیند.

ـ* هدف انقلاب اسلامی ساختن انسان است.

ـ* البته انقلاب دارای اهدافی در جامعه‌سازی نیز هست که این اهداف در راستای ساختن انسان است. جامعه اسلامی مقدمه‌ای است واجب برای اینکه انسان را به جایی که باید برسد دست یابد.

ـ* ظهور اسلام را می‌توان در زندگی حضرت امام دید یعنی توجه به خودسازی و جامعه‌سازی[[2]](#footnote-2) . در خودسازی عرفان و سلوک امام را می‌توان مثال زد و در جامعه‌سازی تحقق انقلاب اسلامی .

ـ* سید روح‌الله موسوی الخمینی، در دوران طلبگی به طور ویژه در محضر آیت‌الله شاه‌آبادی مراتب معنوی را طی نموده است و در کتب عرفانی خویش بارها از ایشان به عنوان"شیخ ما، عارف کامل، شاه‌آبادی روحی‌فداه" یاد می‌کند. اکثر آثار عرفانی حضرت امام مثل آداب الصلوه, مصباح الهدایه و... در همین دوره نوشته شده است.

حضرت امام خميني«رضوان‌الله‌تعالي‌عليه» به عنوان يک فقيهِ و عارفِ واصل، به اين نتيجه مي‌رسد که سیر بی‌انتهای سلوکش را بايد با پديد آوردن انقلاب اسلامي ادامه دهد. حضرت امام فرموده بودند که حضرت آیت‌الله‌شاه‌آبادی, خط آینده و انقلاب را برایم ترسیم کردند. آیت‌الله‌جوادی‌آملی در کتاب بنیان مرصوص از انقلاب به عنوان سفر چهارم عرفانی حضرت امام یاد می‌کند. در واقع انقلاب مرحله‌ای از سلوک امام بوده و سلوک او عین زندگی و انقلابش.

ـ* امام در بدو پیروزی انقلاب در تفسیر سوره حمد، عمیق‌ترین مطالب توحیدی را مطرح می‌کند تا خط اصلی انقلاب را ترسیم کند.

ـ* این مقامات سلوکی آیا با این روش مسلمانی ما به دست می‌آید؟! آیا نیاز به عرفان دارد؟ چرا امام خمینی سراغ عرفان رفتند؟

ـ* چرا همه می‌شنویم آیت‌الله بهجت بسیار خوب بودند و چه مقاماتی داشتند ولی فکر نمی‌کنیم چگونه به اینجا رسیدند؟!

چرا به این فکر نمی‌کنیم به چه دلیل حضرت امام خمینی رفتند پیش آیت‌الله شاه‌آبادی و از ایشان خواستند عرفان یادشان دهد. اصلاً عرفان چیست؟ چرا استاد سیر و سلوک لازم است؟

لااقل از یک روحانی آگاه بپرسیم، لااقل یک تحقیق جدی کنیم که چرا ؟!

پاسخی از حضرت امام : همانطور که کلاس درس استاد دارد، کلاس ورزش استاد دارد، سیر و سلوک هم استاد دارد ، خودرو نمی‌توان مهذب شد. ( جزوه‌ی جهاد اکبر امام خمینی)

ـ* چرا از وقت و سرمایه‌ی جوانی به درستی استفاده نمی‌کنیم؛ چرا وقتی که می‌فرمایند جوان قلبش به عرش الهی نزدیک است به راحتی از عُمر خود می‌گذریم و واقعا جوانی که هدف خلقت را شناسایی کرده است می‌نشیند پشت سریال یکی دو ساعت و اون هم سریالی که نه سود دنیایی دارد و نه سود اُخروی.

ـ* داستانی در مورد صرفه جوئی از وقت :

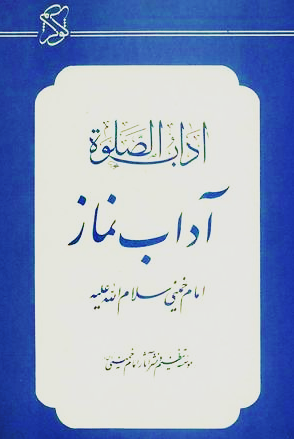
علامه طباطبایی هنگامی که تفسیر المیزان را می‌نوشتند نقطه کلمات را نمی‌گذاشتند یک صفحه که تمام میشد بعد نقطه می‌گذاشتند از ایشان پرسیدند چرا اینگونه می‌نویسید می‌فرماید: به این صورت چند ثانیه در وقت صرفه‌جوئی می‌شود. نظم و وقت‌شناسی حضرت امام خمینی را ببینید.

ـ* در زیر بخشی از متن کتاب آداب‌الصلوة آمده است. آداب‌الصلوة شامل متن سرالصلوة است که بخاطر فهم عامّه تشریح شده است.

# ـ بخشی از ادبیّات عرفانی در کتاب آداب الصلوة : آداب و اسرار نماز در بیان امام خمینی ؛

ـ* شما معنای حدیث " امام صادق علیه السلام فرمودند : العبودیةُ جوهرةٌ کنهها ربوبیّه "را در آداب الصلاة امام خمینی، ببینید.

كسى كه با قدم عبوديّت سير كند و داغ ذلّت بندگى را در ناصيه خود گذارد، وصول به عزّ ربوبيّت پيدا كند. طريق وصول به حقايق ربوبيّت سير در مدارج عبوديّت است، و آنچه در عبوديّت از انّيّت و انانيّت مفقود شود در ظلّ حمايت ربوبيّت آن را مى‌يابد، تا به مقامى رسد كه حق تعالى سمع و بصر و دست و پاى او شود.

چون از تصرّفات خود گذشت و مملكت وجود خود را يكسره تسليم حق كرد و خانه را به صاحب‌خانه واگذار نمود و فانى در عزّ ربوبيّت شد، صاحب‌خانه خود متصرّف در امور گردد، پس تصرّفات او تصرّف الهى گردد، چشم او الهى شود و با چشم حق بنگرد، و گوش او گوش الهى شود و به گوش حقّ بشنود.

اشاره است به روايت «قرب نوافل»: و انّه ليتقرّب إلىّ بالنافلة حتّى احبّه، فاذا احببته كنت سمعه الّذى يسمع به و بصره الّذى يبصر به و لسانه الّذى ينطق به و يده الّتى يبطش بها، ان دعانى اجبته و ان سألنى اعطيته ... اصول كافى، ج ۴، ص ۵۳، «كتاب الايمان و الكفر»، «باب من آذى المسلمين و احتقرهم»، روايت ۷ و ۸.

‏ـ* ‏‏و چون سالک را مقام اسمیّت دست داد، خود را مستغرق در الوهیت‏‎ ‎‏بیند: ‏*‏اَلْعُبُودیَّةُ جَوْهَرَةٌ کُنْهُهَا الرُّبوُبِیَّة؛‏*پس خود را اسم الله و علامة الله و فانی‏‎ ‎‏فی الله بیند و سایر موجودات را نیز چنین بیند. و اگر ولیّ کامل باشد، متحقّق‏‎ ‎‏به اسم مطلق شود و برای او تحقّق به عبودیّت مطلقه دست دهد و «عبدالله »‏‎ ‎‏حقیقی شود.‏ و تواند بود که تعبیر به عبد در آیۀ شریفۀ ‏*‏سُبْحانَ الَّذی اَسْریٰ بِعَبْدِه .*(سر الصلاة - معراج السالکین و صلاة العارفین، ص: 89 )

ـ *جز با قدم عبوديّت نتوان به معراج حقيقى مطلق رسيد.

اهداف انقلاب اسلامی در منظر سخنان امام خمینی و رهبر انقلاب و معنای توحید :

# هدف انقلاب اسلامی - خودسازی و جامعه سازی – در بیانات امام خمینی :

ـ *" شما اگر بخواهيد انقلاب اسلامى، انقلاب فرهنگى در ايران پياده كنيد بايد اين انقلاب اول از باطن خودتان باشد." صحیفه امام، [جلد ۱۲](http://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh?volume=12) صفحه ۳۶۶

ـ * ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است. صحیفه امام ج ۱۳ص۳۲۷

ـ * " آنچه كه شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال می‌كنید و برای آن جان و مال نثار كرده و می‌كنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است كه از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مكتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدة توحید با ابعاد رفیع آن است كه اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مكتب محمدی ـ صلی الله علیه وآله وسلم‌ ـ به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و كوشش تمام انبیای عظام ـ علیهم سلام الله ـ و اولیای معظم ـ سلام الله علیهم ـ برای تحقق آن بوده و راهیابی به كمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است كه خاكیان را بر ملكوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاكیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر‌ّ و عَلن حاصل نشود. " وصیت‌نامه‌ی امام خمینی.

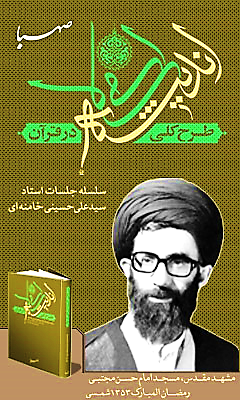
# خودسازی و جامعه‌سازی در بیانات مقام معظم رهبری :

ـ * مقام معظم رهبری از سالها پیش یک روایت را قاب کرده‌اند و در اتاق قرار داده‌اند تا همیشه جلو چشمشان باشد. نوشته این قاب که به خط مرحوم آیت‌الله‌نجومی نوشته شده، این حدیث گهربار امام علی(علیه السلام) است که:" مَن نَصَبَ نَفسَهُ لِلنّاسِ اِماما فَلیَبدَأ بِتَعلیمِ نَفسِهِ قَبلَ تَعلیمِ غَیرِهِ وَلیَکُن تَأدیبُهُ بِسیرَتِهِ قَبلَ تَأدیبِهِ بِلِسانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفسِهِ وَ مُؤَدِّبُها اَحَقُّ بِالجلالِ مِن مُعَلِّمِ النّاسِ ومُؤَدِّبِهِم. کسى که خود را پیشواى مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن‏که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، باکردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب‏آموز خود بیش از آموزگار و ادب‏آموز مردم، شایسته تجلیل است.[[3]](#footnote-3) " انتخاب، نصب در اتاق شخصی و مانوس بودن همیشگی مقام معظم رهبری با این حدیث شریف حاکی از عمق تهذیب، خودسازی، و پرداختن به خود در سیره امام عزیز امت است.

ـ* " آنچه مسلّم است، همه پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند[[4]](#footnote-4)."

"نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه‌ی اصلی، توحید است[[5]](#footnote-5)."

# ـ خود سازی در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن : توجه به خودسازی برای انجام تکالیف اجتماعی؛ به نوعی دیگر در تفسیر آیات اولیه‌ی ‌سوره‌ی مزمّل در بیانات رهبری.

ـ * لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۖ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ  🌹 سوره ی مبارکه ی حج آیه‌ی ۷۸

" لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " حج 78 تا اين پيامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشيد، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما، پیامبر است و شما مسئول همه‌ی بشریّت هستید. " لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ " تا پیامبر بر شما گواه و مراقب و دیده بان باشد و " وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " و شما بر مردمان و بر بشریّت و بر خلق‌ها و توده‌ها مراقب و نگهبان و دیده بان باشید

حالا که این جور است‌، حالا که مسئولیّت شما سنگین است‌، حالا که شما از طرف پروردگار دارید به ماموریتی دشوار دارید گسیل می‌شوید‌، " فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ " به پا دارید نماز را، " وَآتُوا الزَّكَاةَ " بدهید زکات را، " وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ  " و متوسّل شوید به خدا و آیینی خدایی، پناهنده باشید به خدا، متّکی باشید به خدا و از هیچکس دیگر و قدرتی دیگر نترسید. آن وقتی که راهها بر شما بسته شد، ناامید نشوید " هو مولاکُم " خدا سرپرست و نگهبان و هم جبهه ی شماست. ( وقتی می گوییم علی‌علیه‌السلام مولی هست یعنی او بر ما ولایت دارد ؛ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۷۸﴾ ، و مولاى شماست چه نيكو مولايى و چه نيكو ياوری(۷۸) سوره ی حج [[6]](#footnote-6)

*بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان 95/4/12*



 قرآن در دو جا اشاره میکند به انحطاط ملّتهایی که اوّل ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: فَخَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلفٌ اَضاعُوا الصَّلوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوفَ یَلقَونَ غَیًّا؛ یعنی اوّلی‌ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد -معنای «خَلْف» با سکون لام، با «خَلَف» با فتحه‌ی لام، ضدّ هم است؛ «خَلْف» یعنی بازمانده‌ی بد، «خَلَف» یعنی بازمانده‌ی خوب؛ اینجا میگوید: فَخَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلفٌ- بازمانده‌های بدی روی کار آمدند که «اَضاعُوا الصَّلوة»؛ اوّلین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوات؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ فَسَوفَ یَلقَونَ غَیًّا؛ این دو عامل -عامل ضایع کردن نماز و دنباله‌روی از شهوات- این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، اینها را تضعیف می‌کند؛ اینها را پوک می‌کند.

# بخشی از اشارات عرفان در بیانات مقام معظم رهبری :



ـ*  راه جذب جوانها تصرّف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویّت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حدّاکثر اندکی تأثّر پیدا می‌کنم، [امّا] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ فِطرَتَ اللهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها. دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا می‌کند، زود اُنس پیدا می‌کند، زود دلباخته و دلبسته می‌شود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویّت، با عرفان‌واقعی، نه عرفانهای تخیّلی و توهّمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است.

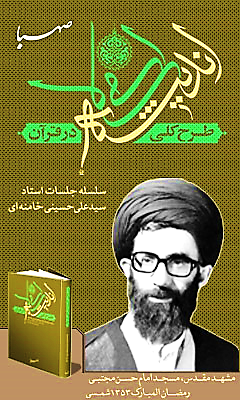
بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

ـ* عرفان، همان مرحوم قاضی است؛ مرحوم ملا حسینقلی همدانی است؛ مرحوم سید احمد كربلائی است؛ عرفان واقعی اینهاست. مرحوم آقای طباطبائی خودش فیلسوف بود، اهل فلسفه بود، بلاشك در عرفان هم وارد بود؛ منتها آنچه كه در عرفان از ایشان معهود است، عرفان عملی است؛ یعنی سلوك، دستور، تربیت شاگرد؛ شاگرد به معنای سالك. عرفان نظری باید به سلوك بینجامد.

[بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23898)۱۳۹۱/۱۱/۲۳

# معنای توحید در بیان مقام معظم رهبری : معنای توحید در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، جلسه‌ی سیزدهم، تأثیرات روانی توحید



ـ * کلمه توحید از باب تفعیل است توحید را از هر طلبه‌ای شما بپرسید که یعنی چه‌؟ معنای لغوی‌اش چیست‌؟ خواهد گفت‌: یکی کردن. توحید از وحدت است از ماده‌ی وحدت از ریشه‌ی وحدت یعنی یکی بودن.

توحید صیغه باب تفعیلش به قول ما طلبه‌ها می‌شود یکی کردن. توحید یعنی یکی کردن، واحد کردن؛ یعنی چه‌؟ یعنی خدایان متعدد را به صورت خدای واحد درآوردن، جامعه غیر توحیدی را توحیدی کردن، مغز مشرک و دل مشرک از مغز موحد و دل موحد قرار دادن. توحید - یکی کردن - همه‌اش تعهّد است انجام دادن از طریق کار است‌، درآن‌، اصلاً کلمه توحید این اقتضاء و ایجاب را دارد و این نکته‌ای است که توجه به این نکته باعث می‌شود یک روشن‌بینی مخصوصی در انسان به وجود آید.

✅ ـ نقطه‌ی شروع دعوت انبیاء توحید است و این با بیان عبودیت و نفی طواغیت از طاغوت‌هایی مانند طاغوت درون خود انسان تا حاکمان طاغوت و ستمگران بیرونی‌.

وَلَقَد بَعَثنا في كُلِّ أُمَّةٍ رَسولًا أَنِ اعبُدُوا اللَّهَ وَاجتَنِبُوا الطّاغوتَ ( 36 سوره ی نحل )

اینکه " وَلَقَد بَعَثنا في كُلِّ أُمَّةٍ رَسولًا " همانا برانگیختیم در هر امّتی پیامبری . حرفش چه بود این پیامبر و رسول ؟ حرفش و پیامش این بود که : " أَنِ اعبُدُوا اللَّهَ وَاجتَنِبُوا الطّاغوتَ " که عبودیت کنید خدا را و دوری بگزینید از طاغوت ؛ این حرف اوّل پیامبر است ، هنوز از گرد راه نیامده حرفش این است :" أَنِ اعبُدُوا اللَّهَ وَاجتَنِبُوا الطّاغوتَ " ( گاهی این طاغوت خود تویی، گاهی هم قدرت‌های خارج از وجود انسانند.)

✅ ـ مومن حقیقی کسی است که نه تنها خود مومن است بلکه تمام افراد بشر را به محبوب حقیقی خود - خداوند - مومن می‌کند.[[7]](#footnote-7) لذا هر چه در عالم دارای مظاهر طاغوتی است باید از بین برود و به همه مؤمن به خداوند شوند و توحید پیاده شود.

تشریح : چرا انقلاب اسلامی را باید صدور کرد و جهان را فتح کرد – چرا باید جهان را به سمت توحید برد - ؟ به دلیل معنای مؤمن حقیقی و اینکه اگر بخواهیم مؤمن حقیقی باشیم.

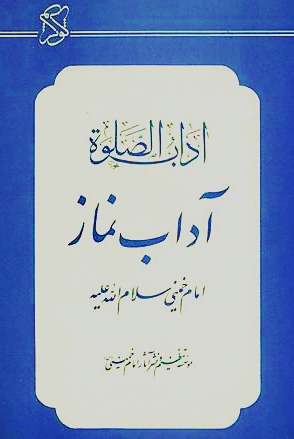
پس اهداف جامعه‌سازی و نظام‌سازی نیز در راستای ساختن انسان است.

تشریح : معنای توحید یعنی غیر از او نباشد و اگر غیر از اویی هست باید حذف شود و به یکتایی برسید. نفی هر چه غیر از او " لا اله " به سوی او " الّا الله ".

ـ جز امر او را نخواهی، جز امر او را نبینی، جز امر او را نشنوی، جز امر او را نگویی.

ـ جز برای او نخواهی، جز برای او نبینی، جز برای او نشنوی و جز برای او نگویی.

ـ وقتی می‌فرمایند : *"*  وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ " . فرق است بین عبودیّت و بین مناسک عبادت .

امام خمینی در آداب الصلوة :

چون از تصرّفات خود گذشت و مملكت وجود خود را يكسره تسليم حق كرد و خانه را به صاحب‌خانه واگذار نمود و فانى در عزّ ربوبيّت شد، صاحب‌خانه خود متصرّف در امور گردد، پس تصرّفات او تصرّف الهى گردد، چشم او الهى شود و با چشم حق بنگرد، و گوش او گوش الهى شود و به گوش حقّ بشنود.

# هدف خلقت در آیات قرآن و تفسیر علما



" *وَ* ما خَلَقْتُ *الْجِنَّ* *وَ* الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ " آیه‌ی 56 سوره‌ی *الذاریات در تفسیر آیت*‌*الله*‌*مکارم شیرازی :*

👈 و بالاخره «عبودیت» کامل آن است که: انسان جز به معبود واقعى یعنى کمال مطلق، نیندیشد، جز در راه او گام بر ندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند، حتى خویشتن را ! ( حقیقتاً قابل تأمّل )

*" و عَلَّم َالآدَمَ اَسمآءَ کُلَّها سوره ی مبارکه بقره آیه ی 31 " در تفسیر آیت الله جوادی آملی :*

👈 ـ منظور از تعلیم، علم حصولی نیست بلکه نشان دادن حقایق است با علم حضوری و شهود.

👈 ـ " تعلیم اسماء " یک قضیه تاریخی نیست که در یک زمانی تحقق و پایان یافته است. یک نشئه است که همیشه بوده، هست و خواهد شد. کلاس درسی همیشگی است که خداوند، معلم و انسان کامل، شاگرد است و اسمای حُسنی برنامه درسی. این کلاس همیشه بوده، هست و خواهد بود. ( ص 54 تا 59 کتاب 20 پرسمان . )

ـ در پاسخ سئوال اینکه کرامت انسان به چیست‌؟ آیت‌ا... جوادی‌آملی می‌فرمایند : همین کار " کن فیکون " را اولیای الهی در دنیا انجام می‌دهند یعنی تا به چیزی بگویند بشود می‌شود‌.(ص66 کتاب‌20 پرسمان‌. پرسش و پاسخ در محضر استاد )

👈 ـ برخی را چون حضرت موسی علیه‌السلام را وقتی ملاقات خدا احضار می‌شوند خطاب به ایشان می‌گویند : بیا و برخی مقامشان بالاتر است و آنها را بالاتر می‌برند چون " حضرت محمد صلّی الله علیه و آله " .

به هر حال این راه رفتنی است و اگر کسی به کمتر از این قناعت کرد‌، خودش را مغبون کرده است. گاه ممکن است که عوام بمیریم.

اینکه خداوند می‌فرماید: " کَلاَّ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقینِ5لَتَرَوُنَّ الْجَحیمَ 6 " سوره‌ی تکاثر

اینکه فرمود اگر علم یقین داشته باشید جهنم را می‌بینید یعنی در همین دنیا می‌بینید زیرا در آن جهان همه می‌بینند. حضرت‌علی‌علیه‌السلام فرمود : متقیّان گویا بهشت و جهنم را می‌بینند، گویا اهل جهنم و اهل بهشت را می‌بینند. (نهج البلاغه خطبه متقین‌) بعد از مرگ کافر هم جهنم را می‌بیند. چرا که کافر می‌گوید: " ربّنا اَبصَرنا و سَمِعنا " نساء آیه ی 10 .

ـ و هر کسی در این دنیا کور باشد در آن دنیا نیز کور است.

" وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۷۲﴾ سوره‌ی اسراء "

*ـ* * *تشریح :* چرا فکر نمی‌کنیم که وقتی می‌فرماید : " و علّم الآدم الاسماء کلّها " یعنی من می‌توانم در همین دنیا الاسماء الهی را کسب کنم و اگر خداوند خالق است من هم خالق شوم و خلق کنم به مانند حضرت‌عیسی‌علیه‌السلام و همه اسمای الهی نیز قابل کسب است.

# سخنان یکی از علماء در مورد قابلیت وجودی انسان :

تعریف از کمالات اهل‌بیت‌علیهم‌السلام، تبیین قابلیت‌های ماست

👈 این همه سفارش و توصیه به مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام و ذکر فضائل آنها که وارد شده است چه سودی به حال ایشان دارد؟! آیا آنها تشریف آورده‌اند تا من بی سر و پا از آنها تعریف کنم؟! آنها جایگاهی دارند که هیچ کس فکر و خیالش را نمی‌تواند بکند! آنها را باید خود خدا و خودشان تعریف کنند که کرده‌اند؛ پس چرا ذکر علی‌علیه‌السلام عبادت است؟! علی‌علیه‌السلام چنین و چنان بود ؛ خیلی خوب ؛ ثمّ ماذا؟! معرفی آنها یک پیام دارد : ما قابلیت و لیاقتی داریم که سبب شده این وجود مقدّس و نبأ عظیم برای هدایت ما تشریف بیاورد.

علامه طباطبایی در رساله‌ی‌الولایة با استناد به آیات و روایات فرموده است شاگردان مکتب اهل بیت به جز نبوّت و وصایت‌، می‌توانند به مقامات معنوی اهل‌بیت نائل شوند. و اصلاً مأموریت و وظیفه‌ی آنها همین است که ما را سر سفره‌ی معنوی خود ببرند. اولین قدم در این راه، شناخت قابلیت و ظرفیت عظیمی است. از آنجا که مقام معنوی اهل‌بیت از تمام انبیاء و اولیای گذشته بالاتر است، کسانی که با تربیت و هدایت ایشان به آنها ملحق می‌شوند نیز از انبیاء و اولیای گذشته بالاترند.

👈 اصبغ‌بن‌نباته می‌گوید:" از امیرالمومنین علیه‌السلام درباره‌ی سلمان فارسی سئوال کردم و به حضرت گفتم: نظرتان درباره‌ی او چیست؟! حضرت فرمودند : چه بگویم درباره‌ی مردی که از طینت ما آفریده شده و روح او قرین روح ماست. خداوند تبارک‌وتعالی او را از علوم، به اوّل و آخر و ظاهر و باطن و سرّ و علن آن مخصوص گردانیده است. من در محضر رسول خدا بودم و سلمان مقابل حضرت بود. بادیه‌نشینی آمد و سلمان را کنار زد و در جای او نشست. حضرت به قدری خشگمین شدند که عرق از پیشانی به میان دو چشم مبارکشان سرازیر شد؛ سپس فرمودند: آیا کسی را کنار میزنی که او را خداوند تبارک‌و‌تعالی در آسمان و فرستاده‌ی او در زمین دوست دارند؟! ای بادیه‌نشین! آیا کسی را کنار می‌زنی که جبرئیل به سراغم نیامد مگر اینکه از جانب پروردگار مرا امر کرد به او سلام برسانم‌؟! ای اعرابی‌! سلمان از من است. هر کس به او جفا کند‌، به من جفا کرده است و هر که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر که با او دشمنی کند با من دشمنی کرده است. ای اعرابی! مبادا با سلمان‌، درشت‌خویی کنی که خداوند تبارک‌و‌تعالی مرا امر کرد علم منایا، بلایا، انساب و فصل‌الخطاب را به او بیاموزم و ..." الاختصاص ص 221 و 222 .

ـ قابلیت‌های ما :

👈 در زیارت عاشورا که بارها و بارها آن را می‌خوانیم و بدون تأمّل عبور کردیم آمده است:

" و أَسئَلَهُ اَن یُبَلِّغَنِی المَقامَ المَحمودَ لَکُم عندَالله " و از او (خداوند) درخواست می‌کنم که مرا به همان " جایگاه ستایش شده‌ای که شما " نزد او دارید برسانید.

اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیاىَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَماتى مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدایا قرار ده زندگیم را زندگى محمدو‌آل‌محمد و مرگم را مرگ محمدو‌آل‌محمد

این دعاها را خود خداوند تعالی به اهل‌بیت و ایشان به ما تعلیم فرموده‌اند و اگر ظرفیت برآورده شدن چنین درخواست‌هایی در ما وجود نداشت، تعلیم آن به ما –معاذالله- لغو و بیهوده بود.

👈 در قنوت نماز عید فطر بعد از یک ماه عبادت ویژه ، 9 مرتبه این مطلب را از خداوند درخواست می‌کنیم :

أَنْ تُدْخِلَنِی فِی كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

مرا در هر خوبی كه محمد (ص) و خاندان محمد را داخل گردانيدى داخل‌سازى و از هر بدى كه محمد (ص) و خاندان محمد را خارج ساختى مرا نيز خارج گردانى. درودهای تو بر محمد(ص) و تمام خاندان او باد.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ [مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ] مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ [الْمُخْلِصُونَ‏]

اى خدا من از تو درخواست مى‏كنم بهترین چيزى را كه بندگان نیكوكارت از تو درخواست كردند و پناه مى‏برم به تو از آنچه بندگان درستكارت [مخلصت] به تو پناه بردند.

ببینید راه تا کجا باز است؟ یعنی نه تنها شما می‌توانید جزء صالحین باشید، بلکه تا آنجا لیاقت دارید که خداوندمتعال فرموده است حتی آن اسراری که امام‌زمان‌علیه‌السلام از خدا می‌خواهد شما هم بخواهید!

👈 در دعای ماه رجب، این درخواست را به ما تعلیم فرموده‌اند:

اعطنی بمسئلتی ایاك جمیع خیرالدنیا و جمیع خیرالاخره واصرف عنی بمسئلتی ایاك جمیع شرالدنیا و ... یا من ارجوه لكل خیر: ای كسی كه در هر امر خیری به تو امید دارم‌.

ائمه‌ی هدی این دعاها را از ناحیه‌ی حضرت باری‌تعالی و در راستای پیاده کردن رسالت به گوش ما رسانده‌اند. یعنی خدای تعالی می‌فرماید: بنده‌ام از من همه‌ی خیر را بخواه تا به تو عطا کنم. امام‌صادق‌علیه‌السلام فرمود‌: ریشه‌ی کل خیر ماییم‌. در زیارت جامعه نیز وارد شده‌:

اِنْ ذُکرَ الْخَیْرُ کنْتُمْ اَوَّلَهُ وَ اَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْویهُ وَ مُنْتَهاهُ؛ **هر جا که نامى از خیر و نیکویى باشد، شما اولِ خیر و ریشه آن و فرعِ آن و معدن آن و مبدأ و منتهاى آن مى‏باشید.**

امام کاظم علیه‌السلام از پدران خود و از امیرالمومنین‌علیه‌السلام نقل می‌کنند که فرمود :

أَنّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنٍ وَحُسَيْنٍ , فَقَالَ : " مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ " .  كنز العمال 12 / 96 رقم 34161 ، ص 103 ح 34196

امام علی علیه‌السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل‌بیت‌علیهم‌السلام و نتیجه آن می‌فرماید: " من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و قاتل معنا بیده فهو معنا فی الجنة فی درجتنا، و من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا اعداءنا فهو اسفل من ذلک بدرجة و من احبنا بقلبه و لم یعنا بلسانه و لا بیده فهو فی الجنة;هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین‌تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود." بحارالانوار، ج 10، ص 107 .

معیّت در آنجا مانند این دنیا نیست‌. آنجا عالم نور و حقیقت است‌. برای اینکه به خورشید نزدیک شوی باید از سنخ او بشوی و الّا می‌سوزی! حتی از دور بیش از چند لحظه نمی‌توانی به او نگاه کنی‌! کسی که می‌خواهد در درجه‌ی رسول گرامی اسلام و با او باشد با در مقامات توحیدی با او هم سنخ شده باشد‌.

ـ بهانه‌ای نمانده است

👈 در آخرت برخی می‌گویند: آقا من نمی‌دانستم، هی با خدا مجادله می‌کند! می‌گوید من نمی‌فهمیدم! خداوند می‌فرماید: امّا من که نشانت دادم‌، قبرستان نشانت دادم تا بفهمی می‌میری‌، کور نشانت دادم تا بفهمی بینایی که نعمتی است‌، کر نشانت دادم تا بدانی که شنوایی چه نعمتی است‌، همه‌اش با تو حرف می‌زدم‌. به تو هی نشان می‌دادم‌؛ تو خودت را به کوری و کری زده بودی. به تو نشان دادم تا جلب من بشوی نه جلب امور دنیایی ! به ما همه چیز را نشان دادند.

اگر تو لیاقت نداری چرا معلمی چون علی‌علیه‌السلام می‌خواهد بیاید؟! در تو یک چیزی هست! خودت را پیدا کن! دیگر ما خودمان را پیدا نمی‌کنیم‌. ما می‌گوییم آخر من کجا امام حسین‌علیه‌السلام با این عظمت کجا ؟ امام‌حسین‌علیه‌السلام با این عظمتش برای هدایت تو آمده است‌.

تو باید بگویی چه هستی‌؟! خودت را می‌خواهی پیدا کنی این طور باید پیدا کنی‌! تو آن قدر برای خدا عزیزی که حسین‌علیه‌السلام باید فدا شود‌! خیلی عجیب است‌! اصلاً اگر ما قابلیت وجودی خودمان را بشناسیم سریع می‌توانیم این‌هایی که نشان می‌دهند را بگیریم‌. مراحل بالاتر را درک کنیم‌. امّا در صورتی که غرق نشویم در همین آدامس و پفک و بازی‌های بچه‌گانه‌! این‌ها به خاطر این است که بزرگ نشده‌ایم‌. فقط هیکل بزرگ شده است‌.

ـ محبّت خدا به بندگانش

👈 اگر تو می‌خواهی محبت خدا را نسبت به خودت بفهمی‌، ببین یک چنین عطایایی‌‌(ائمه‌هدی‌علیهم‌السلام‌) را برای هدایت تو فرستاده است‌. انواری به این عظمت را مأمور کرده تا ما را به آن قرب خاص الهی ببرند. چقدر او ما را دوست دارد که حسین علیه‌السلام را برای هدایت ما تکه تکه کرده است‌.

فرمود موسی جان‌! بندگانم را به من راغب کن‌! عرض کرد پروردگارا چگونه؟ فرمود : نعمت‌های مرا به یادشان بیاور! آیا پیامبر و علی و اولادش هدیه و نعمت الهی نیستند‌؟! چه نعمتی بالاتر از این‌؟‌!

در روایتی وارد شده است که فرمودند‌: ما به مریضی شما مریض می‌شویم و با غم شما غمگین می‌شویم‌. وقتی شما دعا می‌کنید ما آمین می‌گوییم و وقتی ساکتید ما برای شما دعا می‌کنیم‌.

محبتی که اهل‌بیت به ما دارند حدّی ندارد‌.!

ـ خدا " من " را دوست دارد

👈 هر کسی باید محبت خدا و اهل‌بیت را در خودش جست‌و‌جو کند؛ نه در دیگران! خداوند خیلی "من" را دوست دارد که این همه عظمت را برای هدایت "من" گسیل کرده است. در مورد قرآن هم باید به فرمایش امام‌صادق‌علیه‌السلام همین طور نگاه کرد؛ این کتاب نامه‌ی خدا به بنده‌اش است که برای "من" فرستاده است و دارد با "من" سخن می‌گوید؛ پس هر آنچه می‌خوانم باید در خودم جست‌و‌جو کنم، نه دیگران.

اگر این مطلب فهمیده شود انسان خیلی پیشرفت می‌کند.

تا وقتی این معرفت و این شناخت نیاید، هیچ لذتی از عبادت نخواهیم برد؛ در نتیجه همه فرصت‌ها و نعمت‌ها را هدر خواهیم داد و بازیچه‌ی شیطان خواهیم شد که یکی از جلوه‌هایش دنیاست.

ـ محبت فوق‌العاده‌ی خدا به ما

👈 محبت خدا را مگر می‌توانی درک کنی؟ خودش فرمود اگر ذره‌ای از آن را بچشی تکه تکه می‌شوی‌. اصلاً این محبت مانندی ندارد! چه چیزی را مثال بزنیم‌؟!

شما محبت مادر به فرزند را تصور کن تازه این محبت مادری است مجازی!

مرحوم نراقی می‌گوید : زنی را تصور کنید که شوهرش از دنیا رفته است و بار زندگی روی دوش این مادر افتاده این مادر حاضر است برای تأمین زندگی فرزندان کلفتی هم بکند. با چه زحمتی او را بزرگ می‌کند برایش زن می‌گیرد. بعد این فرزند بخاطر زن خود، مادرش را در اتاقی زندانی می‌کند و بعد کم کم به این فکر می‌افتد که مادرش را ببرد و در کوهی رها کند تا گرگ‌ها او را بخورند و قلبش را برای زنش بیاورد. او مادر را به کوه می‌برد و قلب مادر را از بدن او در می‌آورد تا برای زنش ببرد و بعد وقتی از کوه پایین می‌آید، پایش به سنگی گیر می‌کند و زمین می‌خورد و زخمی می‌شود و یکباره می‌بیند قلب مادرش می‌گوید: آخ پای فرزندم زخم شده است. ببینید این همه محبت مادر را ! !

خدا محبتش از آن مادر هزار بار بالاتر است.

حلا شیطان یک گناهی را بزرگ جلوه می‌دهد. و الّا خودش می‌داند که از این انسان گناه سر می‌زند. برای همین اسمش را گذاشته، غفّار ؛ وهّاب .

هر بار که گناه کردی نا امید نشو و به درگاه الهی بازگرد. اصلا نا امید نشو.

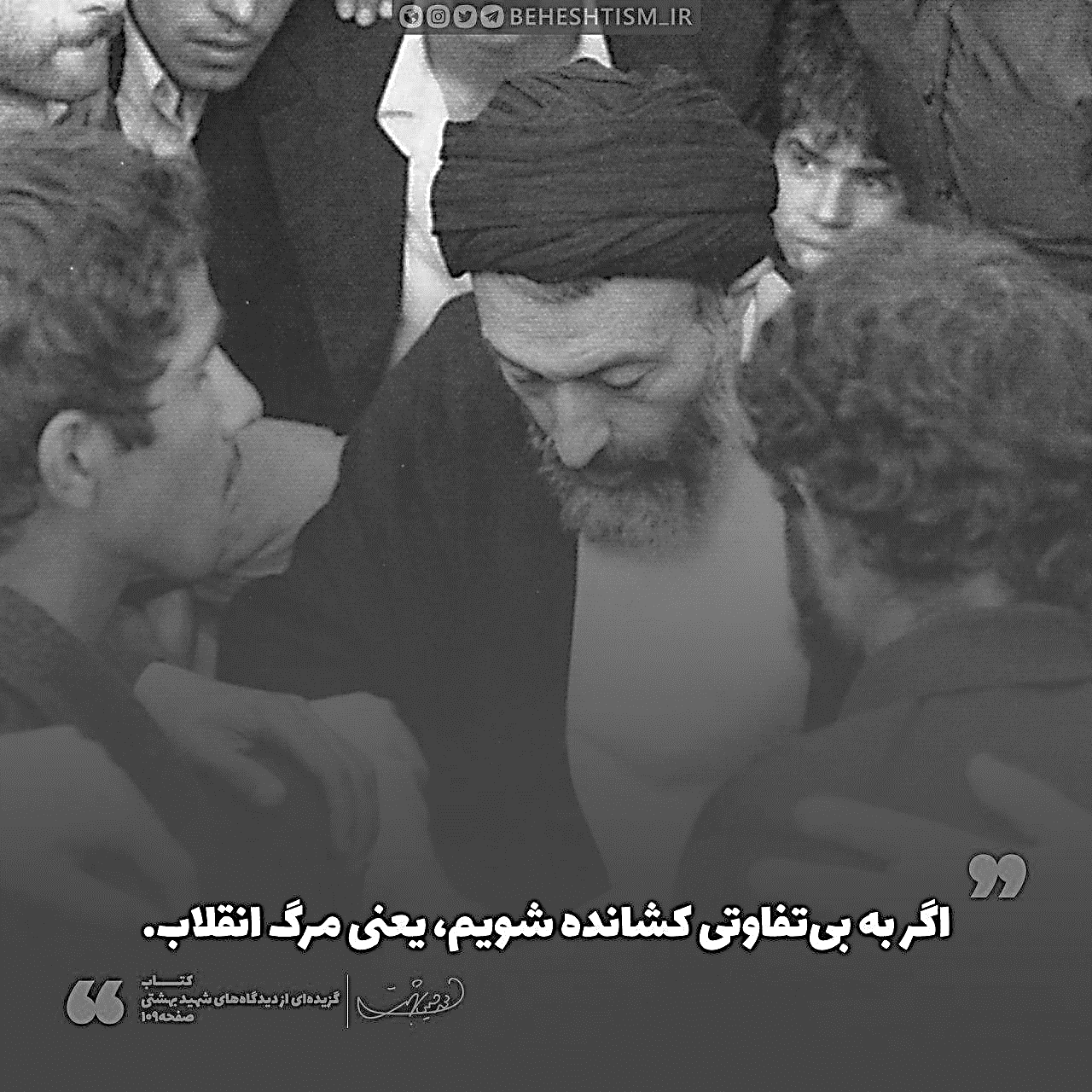
امام‌صادق‌علیه‌السلام می‌فرماید: شخصی گناه می‌کند و با همین گناه بهشت می‌رود. همه تعجب می‌کنند. بعد امام می‌فرماید: آخه ناخواسته بوده همین که بعد از گناه شرمنده شده خدا می‌بخشه.

اگر این معرفت‌ها و این محبت‌ها بیاید خدا شاهده اینها ترمز انسان می‌شود.

ما هنوز محبتش را درک نکرده‌ایم.

خدا خطاب به ما می‌فرماید: من همه این اهل‌بیت‌علیهم‌السلام را برای تو فرستادم، حسین‌علیه‌السلام را برای تو فرستادم، زهرا سلام ا... علیها را برای تو فرستادم، این همه‌‌حسین‌علیه‌السلام فدا شد برای تو بود.

والسلام علیکم



1. ـ سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. . به همین تعبیر " خود سازی و جامعه سازی " با عنوان" نمونه کامل اسلام ، امام علی علیه‌السلام " ، کتاب آزادی معنوی ، شهید مطهری ، ص 56 و 57 و 58 و 67 [↑](#footnote-ref-2)
3. غرر الحکم، ح ۷۰۱۶ و نهج البلاغه حکمت 73 و به معنای دیگر در حکمت 89 نهج البلاغه ، سخنرانی در جمع طلاب و روحانیون کرمانشاه 12/8/1390 [↑](#footnote-ref-3)
4. ۱۳۷۸/۰۹/۰۳ [↑](#footnote-ref-4)
5. ۱۳۸۸/۱۲/۰۶ [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن ، جلسه‌ی چهارم : ایمان زاینده و همراه با تعهّدات عملی [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ تعریف مومن حقیقی در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن از بیانات مقام معظم رهبری [↑](#footnote-ref-7)